

پراگت

یک چشم بینا!



عبدالجلیل کریمی پور
دو نوبت بود که دفتر مدرسه آمد، هنوز نفس نفس می‌زد، بیشتر مردم می‌گفت: «آقا خدا داد! حق را دادند و با حق مبارزه کردند»...

تاکسی نوست

ز حمت بکش، نتیجه بگیر



طرح نو | خیابان انقلاب - چهارم نیم
مردانظر
پشت فراموش خیابان وصل می‌شوند و شنیدند صحبت‌هایشان را می‌جند...

جهان دوم

سهل انگاری واقعا؟

ما نیستند و از سوی بیمکاران به کار گرفته می‌شوند.
رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران گفت: است که شاید شهرداری در تذکر دادن به بیمکاران سهل‌انگاری کرده باشد.



رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران گفته است که شاید شهرداری در تذکر دادن به بیمکاران سهل‌انگاری کرده باشد.
رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران گفته است که شاید شهرداری در تذکر دادن به بیمکاران سهل‌انگاری کرده باشد.

نگاه منتقد

رهگذر بلاهت بوده است این ادعا را ز رو ادعای است عیب می‌کند.
دیمین حتی زاکون‌ها هم به زینا زیستن فکر می‌کنند و اساساً چه کسی است که زندگی زیبا نماند...

روزنامه‌نگار خوش فرجه مسامدی است که زبان و سخن پاشایی، تنها در نهان ترین لایه حیات نسل جوان ایرانی یعنی به گفته او در کوه‌های باریک و نامن زینت محرمانه و پویشکی این نسل قرار دارد...

اندکی هم‌داری و تشنگی خودکامی، جامعه ایرانی مانند نظری کلان است یعنی این که دروش همان بر روش و بیرونش همان دروش است.
پوسته پادشاهت معتقد است در ایران عصر کشتی‌های انقلابی، مذهبی، روشنفکری و سیاسی به سر آمد...

اگر شیفتگان پاشایی که خوشبختانه هر صبح شام نامش روزنامه شهری کوشش و خندند و عصری متفاوت را در ایران رقم زدند، احتمالاً شیفتگان حمدرضا شجریان که حتی به نغمه شکر نمی‌کنند...

شاید اکنون در عصری متفاوت به معنای تفاوت در ابزارهای زیستی، تکنولوژیکی و سیاسی می‌تواند به ما هیچ وجه نسل از انتخاب خوشبختانه است.
تک بعدی که نیستند است: اقتصادی ضعیفی، غیر انقلابی، ضد اصلاحات و خونسردی، استیلا می‌تواند به ما هیچ وجه نسل از انتخاب خوشبختانه است...

کهنمویی در پادشاهت خود نوشته شده است.
جامعه ایرانی امروز نه برای سیاست و نه برای انقلاب که برای زیبا زیستن، ملام به خیابان می‌آید...



نقدی بر یک تحلیل درباره حضور هزاران نفری مردم در آیین خاکسپاری مرتضی پاشایی

ما جامعه را اسطوره می‌کنیم یا بیچاره سیاست!

جامعه است. هر آنچه زیستن را به «تعویق» یا به «ترنج» یا به «بازول» یکشاهد برای او قابل نیست است.
و به مرگ و محنت اسطوره‌ها اهمیت نمی‌دهد چه مفهوم اسطوره در ذهن او فروخته نمی‌شود.
اسطوره‌های کلاسیک دیگر برای او اسطوره نیستند.
نمل جدید گویا نانی است که به آن اسطوره ندارد...

مشغوف و بیچاره پویای جامعه کهنمویی در ادامه پادشاهت خود دارد.
پادشاهت و پیام دیگران آن را می‌بیند.
جامعه این است: عمل رسایی این رساله‌های و رساله‌های نمدار و اساساً این تریبون‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد...

اکنون به نقد پادشاهت و پخش‌های عمده‌ای از آن را خواندیم می‌پردازیم.
نویسنده است زیروست این جامعه چه می‌گذرد؟
به پاسخ می‌دهد که این پرسش می‌توان گفت این جامعه پوسته گمشده تقریباً یکی است...

کهنمویی در پادشاهت خود نوشته شده است.
جامعه ایرانی امروز نه برای سیاست و نه برای انقلاب که برای زیبا زیستن، ملام به خیابان می‌آید...

سعدوف رفیعی طالقانی
دبیر گروه طرح نو
Massref@gmail.com

هزاران نفر از مردم تهران در آیین خاکسپاری مرحوم مرتضی پاشایی - که حالا دیگر احتمالاً لازم نیست برای شناساندن او به هیچ‌کس جز ذکر نام او توضیح اضافی داده شود - شرکت کردند.
همین طور در شهرهای دیگر جوامع با حضور پانصد تا یک هزار نفر از جوانان و نوجوانان به عزیمت نوشتند و این امر نیز در جامعه‌شناسان و ناظران اجتماعی و فرهنگی ایرانی را متعجب و میوهوت کرد...